

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تبیین یک نتیجه دیگر مستفاد از روایات باب اول؛

ملاحظه فرمودید که روایات زیادی درباره حد مسافت شرعی داریم و برخی از آنها بررسی شد در این زمینه یک نتیجه دیگر از روایات باب اول استفاده می شود.

روایاتی که در باب حد مسافت شرعی خوانده شد، استفاضه بودن و در حد مستفیض بودن آنها مسلم است و بلکه ادعای تواتر هم در این روایات شده، بزرگانی مثل مرحوم محقق خوئی (ره) و قبل از ایشان در میان قدما هم داریم کسانی که نسبت به این روایات، ادعای تواتر کرده اند؛ یعنی ما روایات متواتر داریم که مقدار مسافت «ثمانیة فراسخ» است، «ثمانیة فراسخ»، «بریدان» است، «بریدان» و «اربعة و عشرون میلاً» است؛

البته این نکته را هم عرض کنم ما در باب تواتر، لازم نیست که در یک موضوعی چهل تا صد، روایت داشته باشیم تا بگوئیم روایت متواتر در آن باب وجود دارد. بلکه همین مقدار برای تواتر کافی است، یعنی اگر یک کسی در فقه تتبع کند و در کلمات فقها تتبع کند، موارد این چنینی که مثلاً ده تا پانزده روایت وجود دارد، همین مقدار برای مسئله ی تواتر ولو تواتر اجمالی کافی است؛ البته نمی خواهیم «تواتر لفظی» را بگوئیم، بلکه برای تواتر معنوی و تواتر اجمالی، همین تعداد روایت کفایت می کند.

آن وقت اگر در فقه، در یک موضوعی روایات متواتر بود، دیگر فقیه محتاج به بررسی سند نیست؛ زیرا بررسی سند مربوط به اخبار آحاد است، اما اگر در جایی روایت متواتر بود دیگر نیازی به بررسی سند نیست. نظیر این مطلب را هم در بحث ارتداد و وجوب قتل مرتد داریم، ما حدود بیست و سه روایت در آنجا داریم؛ لذا اگر در آنجا هم ادعای تواتر کنیم ادعای گزافی نیست و در همین بحث نیز عرض کردم که نسبت به این «ثمانیة فراسخ»، «بریدان»، «اربعة و عشرون میلاً» ادعای تواتر اجمالی شده و این مطلب درستی است.

بررسی چند روایت دیگر در باب حد مسافت شرعی؛

در نتیجه روایاتی که در بحث دیروز خواندیم، عرض کردیم اولین مطلب این است که آیا بین «ثمانیة فراسخ»، و «مسیرة یوم» اینها دو ضابطه است که در این روایات ذکر شده یا اینکه مآلشان به یک شیء واحد برمی گردد. البته قبل از بیان این مطلب، ابتدا باید برخی از روایات دیگر هم که راجع به «مسیرة یوم» هست ولو در این باب اولی که دیروز خواندیم نیامده، اینها را هم اشاره کنیم.

اولین روایت در کتاب «الکافی» جلد چهارم صفحه 129 آمده است و سند و متن آن به شرح زیر است:

الف. بررسی سند روایت؛

«عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن علي بن حكم عن عمرو بن حفص عن فضيل بن يسار قال»

ب. بررسی دلالت روایت؛

«سألت أبا عبدالله (عليه السلام) عن الرجل يشيع أخاه في شهر رمضان»، یک مردی برادر خودش را مشایعت می‌کند در ماه رمضان، می‌خواهد به سفر برود و مشایعتش می‌کند، «فیبلغ مسيرة يوم»، می‌رسد به جایی که مسیر یک روز است «أو مع رجل من آخر، أيفطر أو يصوم؟» سؤال می‌کند حالا که مسیره یوم رسید روزه بگیرد یا افطار کند؟ «قال يفطر»، این یک روایت.

بررسی روایت دوم:

دنباله موثق سماعة؛

باز روایت دیگر همین حدیث هشتمی که از همین باب اول خواندیم دنباله‌ای دارد البته همانطور که بیان شد در ابتدا دارد که سماعة می‌گوید «سألته عن المسافر في كم يقصر الصلاة؟ و امام (عليه السلام) در پاسخ فرمودند: «فقال في مسيرة يوم و ذلك بریدان و هما ثمانية فراسخ»، صاحب وسائل (ره) فرموده «الحديث». حال مجدداً به سند و دنباله متن این روایت توجه فرمایید:

الف. بررسی سند روایت؛

«و عنه» (یعنی عن محمد بن الحسن) «بإسناده عن محمد بن علي بن محبوب عن احمد بن الحسين عن الحسن عن زرعة عن سماعة»، روایت موثق است.

ب. بررسی دلالت روایت؛

دنباله‌ی حدیث این است که «و من سافر قصر الصلاة و افطر»، کسی که مسافرت می‌کند نمازش را باید قصر کند و افطار کند «الا أن يكون رجلاً مشيعاً لسلطان جائر»، مگر یک کسی که مشایعت سلطان جائر کند، «أو خرج إلى الصيد» یا برای صید برود «أو إلى قرية له تكون مسيرة يوم»، یا به یک قریه‌ای برسد که تا آنجا مسیره یوم هست «یبیت إلى أهله»، منتها چون آنجا دارد «یبیت إلى أهله، لا يقصر و لا يفطر»، یعنی اگر کسی مشیّع سلطان جائر شد یا رفت برای صید، یا به مسیره یوم رسید که برنگشت، «یبیت إلى أهله».

بررسی هفت نکته مهم در مقام؛

چند نکته مهم در اینجا وجود دارد:

نکته اول:

آیا مسافری که قصد رجوع از هشت فرسخ یا مسیره یوم دارد، نباید قصر کند؟
حالا یک بحث مهمی داریم که آیا اگر کسی هشت فرسخ رفت و یا مسیره یوم رفت و آنجا یکی دو شب ماند بعضی می‌گویند این نباید نمازش را قصر کند، اگر همان روز به وطنش رجوع کند «أراد الرجوع و رجعه»، در اینجا «رجوع فی اليوم» را شرط

می‌کنند؛

نکته دوم:

وجود تعبیر مسیره یوم؛
در این روایات هم کلمه‌ی «مسیره یوم» آمده است؛

نکته سوم:

ابن جنید اولین فقیهی که حد مسیره یوم را برای پیاده و راکب مطرح کرده؛
وقتی ما فتاوی را می‌بینیم، اول کسی که مسئله‌ی «مسیره یوم» را آمده حدّش را هم معین کرده ابن جنید(ره) است؛ علامه حلی(ره) در این باره فرموده: «حدّ ابن جنید مسیره یومٍ للماشی و راکب السفینة فقط»، ابن جنید طبق آنچه که در مختلف جلد 3 صفحه 101 آمده، «مسیره یوم» را ملاک برای کسی که پیاده برود و یا راکب سفینه قرار داده، اما برای دیگران ملاک‌های دیگری قرار داده است.

نکته چهارم:

تقسیم دو طائفه از روایات؛
حالا این‌جا این روایات دو طائفه است؛

طائفه‌ی اول:

روایاتی که دلالت بر عینیت تعابیر مسیره یوم و ثمانیه فراسخ دارد؛
یک دسته روایاتی است که می‌گوید «مسیره یوم» همان «ثمانیه فراسخ» است و «ثمانیه فراسخ» همان «مسیره یوم» است، این روایات که دیگر بحثی ندارد، مثل همین روایت سماعه که خواندیم «فی مسیره یومٍ و ذلک بریدان و هما ثمانیه فراسخ» و روایات دیگری هم که در بحث گذشته خواندیم، عرض کردم همان روایت اول که «إنما وجب التقصیر فی ثمانیه فراسخ لا اقل من ذلک و لا اکثر»، بعد داشت «فوجب التقصیر فی مسیره یوم»، یک طائفه‌ای از روایات دلالت بر این دارد که این همان است، یعنی «مسیره یوم» همان «ثمانیه فراسخ» است؛

طایفه‌ی دوم:

روایاتی که با «او» تنويعیه آمده است؛
اما روایاتی است که با «أو» تنويعیه ذکر شده مثل روایتی که از ابی ایوب دیروز خواندیم؛ از امام صادق(علیه السلام) «سألته عن التقصیر فقال فی بریدین أو بیاض یومٍ، بریدین یا بیاض یوم» و همچنین روایت ابی بصیر حدیث یازدهم «فی کم یقصر الرجل؟ قال فی بیاض یومٍ أو بریدین».

نکته پنجم:

بررسی کیفیت جمع بین روایاتی که با او تنويعیه آمده است؛

فعلاً باید این را بیائیم حل کنیم، آن ترتیبی که دیروز عرض کردیم کاملاً در ذهن شریف‌تان باشد ما روایات متواتره‌ی به تواتر اجمالی که «ثمانیة فراسخ» هست را گفتیم؛ حالا می‌آئیم مسئله‌ی «مسیرة یوم» را اول حل می‌کنیم بعد می‌آئیم سراغ تعبیر دیگر؛ کیف الجمع بین این روایات و آن روایاتی که می‌گوید یوم و لیلہ، کیف الجمع بین این روایات و آن روایاتی که می‌گوید «ثلاثة بُرد»، بین این روایات و آن روایاتی که می‌گوید یومین، «مسیرة یومین» هم داریم در روایات، اینها را باید مرحله به مرحله حل کنیم، اما آنچه که در کلمات فقها مهم است این است که بالأخره این روایاتی که می‌گوید «مسیرة یوم» همان ثمانیة فراسخ است بحثی ندارد، تهافتی وجود ندارد اما در جایی که امام(علیه السلام) می‌فرماید یا «بریدین» یا «مسیرة یوم»، یا «أو» آورده. یا «بریدین» یا «بیاض یوم» که بیاض یوم هم همان «مسیرة یوم» است اینجا ما باید چه بکنیم؟

نکته ششم:

بیان دو مطلب پیرامون «مسیرة یوم»؛

باز یک اشاره‌ای کنم به آن مطلبی که دیروز عرض کردیم که در مورد «مسیرة یوم» دو مطلب حائز اهمیت است و آن عبارتست از:

مطلب اول:

منظور از مسیرة یوم، همان معنای عرفی‌اش مراد است، نه یوم الصوم که شرعی باشد؛ یوم را صاحب جواهر(ره) به همان یوم الصوم گرفته و مرحوم شیخ انصاری(ره) هم به همین «یوم الصائم» معنا کرده یعنی از اول فجر تا اول مغرب شرعی و صاحب حدائق(ره) اصلاً این تفسیر را به اصحاب امامیہ نسبت داده، یعنی اینطور نیست که یکی دو نفر این مطلب را بیان کرده باشند؛ منتها شیخ انصاری(ره) می‌فرماید ولو معنای «مسیرة یوم»، مراد یوم الصائم است، اما مراد حقیقی‌اش نیست، یعنی اینطور نیست که از اول طلوع فجر تا اول مغرب باید باشد، بلکه باید آن مقدار متعارف باشد، حالا مقدار متعارف یک مقدار از اول و یک مقدار از آخرش کم است، سیر متعارف باید باشد. عرض کردم در خود جواهر هم احتمال داده که مراد از یوم، یوم عرفی باشد که از اول طلوع شمس است و به نظر ما این تعبیر، وجهی ندارد، دیروز هم عرض کردیم ولو تعبیر به بیاض با آن آیه‌ی شریفه خیط الابيض یک نزدیکی دارد اما هیچ شاهی بر این مدعا نمی‌شود و قرینه‌ای بر این مدعا نمی‌شود، وقتی می‌گویند «مسیرة یوم» همان مسیرة یوم عرفی است، همان مقداری که عرف در یک روز حرکت می‌کند حالا ممکن است یک مقدار نزدیک به طلوع شمس هم باشد یا نباشد؛ لذا اینطور نیست که بگوئیم حتماً باید از اول طلوع شمس باشد.

مطلب دوم:

مراد از مسیرة یوم، سیر اعتدالی و غالب است؛

نکته دیگر در مورد «مسیرة یوم» این است که در این روایات و همانطور که عبارت فتوای صاحب وسائل(ره) را هم خواندیم، ایشان فرموده است: «مسیرة یوم معتدل السیر»، اعتدال سیر در آن باشد، یعنی معتدل باید سیر متعارف، سیر اعتدالی که بعضی می‌خواهند بگویند این سیر اعتدالی همان «ثمانیة فراسخ» است؛ یعنی اینجا خودش بین فقها بحث و نزاع واقع شده بدین بیان که آیا تعبیر «مسیرة یوم» اطلاق دارد یعنی شما باید یک روز راه بروید حالا این یک روز را با اسب تندرو بروید باید یک روز بروید، اگر پیاده بروید هم یک روز باید بروید، با بقر بروید ... «مسیرة یوم»، که بگوئید در این یک اطلاقی وجود دارد کما اینکه از کلمات مرحوم صاحب مدارک(ره) چنین مطلبی استفاده می‌شود که این اطلاق است. می‌گوید باید مسیر یک روز را حرکت کنی، حالا این مسیر یک روز از چهار فرسخ بیشتر شد یا کمتر شد! فرقی نمی‌کند. ملاک «مسیرة یوم» است؛ یا اینکه آیا تعبیر

«مسيرة يوم» اطلاق ندارد و مراد از سير، بالسیر الاعتدالی است کما اینکه از خود این روایاتی که دیروز هم خواندیم در بعضی از روایات مثلاً در همان روایت دوم همین باب داشت «لأن ثمانية فراسخ هو سير الجمال و القوافل و هو الغالب على المسير» که سير اعتدالی یعنی بگوئیم آن سير غالب که غالباً با شتر می‌روند! فرس که خیلی تند می‌رود ملاک نیست، بقر ملاک نیست، آن سير غالب است.

روایات همین است که صاحب وسائل(ره) هم استظهار فرموده، یعنی آن مسیره یومی که در این روایات آمده را نمی‌توانیم بگوئیم اطلاق دارد. حالا که این دو نکته را تا اندازه‌ای روشن کردیم؛ که اولاً: «مسيرة يوم» همان معنای عرفی‌اش است نه يوم الصوم که شرعی باشد و ثانیاً مراد اعتدال آن است.

نکته هفتم:

بررسی یک سؤال: در روایت هفتم و یازدهم، کدامیک از دو احتمال در «او» قابل پذیرش است؟
حالا اینجا مناسب است ما کلام صاحب جواهر(ره) را مطرح کنیم برای اینکه این روایاتی که کلمه‌ی «أو» دارد را ببینیم چکار باید کنیم؟ «فی بریدین أو بیاض يوم»؛ حالا باز قبل از اینکه کلام صاحب جواهر(ره) را بگوئیم ما باشیم و ظاهر این روایات چیست؟ فرض کنید اصلاً روایت دیگری نیست! فرض کنیم همین یک روایت را داریم که از امام سؤال می‌کند «سألته عن التقصير فقال فی بریدین أو بیاض يوم، أو مسيرة يوم». ما می‌خواهیم ببینیم ظاهر اولی آن چیست؟ که اینجا دو احتمال است؛ به عبارت دیگر، آیا این:

احتمال اول:

«او» تنويعیه است، یعنی در جایی که مکلف می‌تواند به عنوان البرید علامت گذاری کند ملاکش بریدین است، در جایی که علامت برید - دیروز در این نوشته‌ها یک سبق لسانی از ما شده که برید عبارت از چهار فرسخ است ظاهراً گفتیم در یک فرسخی، این را مکرر عرض کردیم همان چهار فرسخ است - این تنويع آیا «أو» تنويعیه است در جایی که مکلف علائم بریدان را دارد ملاکش بریدان است، در جایی که از کوه‌ها و جاهای دیگری عبور می‌کند که مردم عادی هم نمی‌روند و علامتی هم وجود ندارد و بریدان نیست، آنجا «مسيرة يوم» است، بیاض يوم مراد است.
یا اینکه بگوئیم نه این:

احتمال دوم:

«او» تسهیلیه و تخییری است، یعنی هر یک برای مکلف آسان‌تر است، یعنی شارع می‌گوید من این را در اختیار خودت قرار دادم، ولو در یک راهی هم عنوان بریدان وجود دارد اما آنکه برای مکلف اعتبارش آسان‌تر است همان است.

پذیرش احتمال دوم از منظر صاحب جواهر(ره):

صاحب جواهر(ره) تعبیری که در عبارتش دارد این است که می‌فرماید «فالتريد بين بياض اليوم و بریدین فی خبر أبي بصير» هم خبر ابي‌بصير و هم خبر ابي‌ايوب «ترديد فيما يسهل على المكلف اعتباره» آنچه که برای مکلف اعتبارش آسان است یعنی یکی از این دو تا را، حالا هر کدام را مکلف خواست ملاک قرار بدهد، خواست توجهی به بریدین نکند! بیاض يوم قرار بدهد یا اینکه خواست ملاک را بریدین قرار بدهد.

مرحوم شیخ انصاری(ره) می‌فرماید این «صحیح‌ی ابی ایوب الظاهر منه كفاية العلم بتحقيق أحدهما و إن لم يعلم بالآخر»، ایشان می‌فرماید این مربوط به علم مکلف است یعنی اگر مکلف علم به یکی از این دو تا پیدا کرد کافی است «و إن لم يعلم بالآخر» بعد می‌فرماید «و شموله لصورة العلم بالتخالف محلّ نظر»، بگوئیم در جایی که کسی بریدین رفته اما می‌داند «مسیره یوم» هنوز نیست! یا در جایی که کسی «مسیره یوم» رفته و می‌داند بریدان نیست.

چون روی کلام صاحب مدارک(ره) که بیشتر به همین روایت ابی ایوب و ابی‌بصیر استناد می‌کند می‌گوید اگر یک کسی «مسیره یوم» رفت اما هشت فرسخ نشد، «یقصر». یا اگر کسی هشت فرسخ آمد اما «مسیره یوم» نشد یقصر. یعنی حتی در جایی که علم به مخالفت دارد را صاحب مدارک(ره) می‌گوید مشمول این روایت است.

آیا این روایت به حسب تنويع خارجی است یعنی اگر از یک راهی رفتی که علامت برید دارد بریدان، اما اگر از یک راه دیگری رفتی که علامت نداشت «مسیره یوم»، که به نظر مختار این احتمال باطل است، برای اینکه بر حسب این روایات، همان راهی هم که علامت بریدان دارد ائمه «مسیره یوم» را هم در همان جا مطرح کردند.

پس این احتمال اول که بگوئیم به حسب اختلاف در طریق است حرف درستی نیست، حرف صاحب جواهر(ره) که بگوئیم این تسهیل بر مکلف است که این تسهیل بر مکلف با این عبارتی که از شیخ انصاری(ره) خواندیم نزدیک به هم است، یعنی شارع در مسئله‌ی قصر مکلف را خیلی گرفتار نکرده، می‌گوید اگر آنجایی که فهمیدید بریدین است همین کافی است، ولو علم داری به اینکه این مقدار «مسیره یوم» هست یا نیست؟ یا در جایی که علم پیدا کردی «مسیره یوم» است همین کافی است ولو اینکه علم نداری بریدان هست یا نیست؟ بیائیم فرمایش شیخ انصاری(ره) را که عرض کردم با این عبارت صاحب جواهر(ره) که «فیما یسهل علی المكلف اعتباره» نزدیک به هم است و دو چیز نیست.

البته بنابر تحقیق، عبارت شیخ انصاری(ره) هم عبارت فنی‌تر است بگوئیم که این مربوط به علم مکلف است، «إذا علم بأن هذا المقدار من المسافة»، مقداری آمده علم دارد بریدان شد این کافی است، حالا نمی‌داند آیا «مسیره یوم» هست یا نه؟ عکسش، علم دارد مسیره یوم را آمده، نمی‌داند بریدان هست یا نیست، کافی است.

اما اشکالی که بر این فرمایش شیخ انصاری(ره) و صاحب جواهر(ره) هست این است که اساساً در این روایت کجایش دارد که ملاک مکلف است؟ سائل سؤال می‌کند مقدار تقصیر در صلاة چیست و کاری به مکلف ندارد که برای این مکلف چه چیز آسان است؟ علم دارد به «أحدهما و إن لم يعلم بالآخر»، یا علم به مخالفش هم دارد اینها اصلاً در روایت نیست.

به عبارت دیگر، مطلب تنويع این بود که بگوئیم به اختلاف طرق است، یک طرقی علامت بریدان دارد و یکی ندارد، این مطلب اقرب از آن است یعنی ما بگوئیم ملاک تسهیل بر مکلف است یا بگوئیم مراد علم هست این از او اقرب است، اما هیچ کدام از

اینها با ظاهر روایت سازگاری ندارد، حالا بگوئیم ظاهر روایت ولو کلمه‌ی «أو» هست اما هر دوی آن یک شیء واحد است، اما مخاطب این شیء واحد را دو تا مفهوم با آن آشناست، بعبارةً أُخری بگوئیم این روایات دلالت بر تعدّد ضابطه ندارد، ملاک در تقصیر یک چیز است. ضابطه یک چیز است اما این ضابطه تردید من حیث تردید در عنوان است نه تردید در واقع، یعنی این یک چیز را هم می‌توانیم از آن بریدان تعبیر کنیم و هم «مسیره یوم».

تبیین نظریه متفاوت صاحب جواهر(ره) در مقام؛

عبارت صاحب جواهر(ره) را مطالعه کنید و لو اینجا فرموده «فیما یسهل علی المکلف اعتباره» اما در ادامه می‌فرماید ما باشیم و روایات استفاده می‌کنیم که مسیره یوم شرعی همان بریدان است.

جلسه آتی بررسی نظریه صاحب جواهر(ره) و تحقیق پیرامون ادامه بحث؛

این یک ادعای دیگری است که صاحب جواهر(ره) دارد یعنی در روایات که اگر می‌گوید مسیره یوم، ثمانیه فراسخ یا می‌گوید «ثمانیه فراسخ أو مسیره یوم»، اینها بحسب الشرع است و آنچه که ما و فقها را در این نزاع قرار داده این است که کدامیک از اینها ملاک است؟ در صورتی است که ما نگوئیم این از جهت شرعی، همان است.

بنابراین عبارت «جواهر الکلام» را در جلد 14 پیش مطالعه بفرمایید؛ چه اینکه صاحب جواهر(ره) در آنجا می‌فرماید به نظر ما از روایات استفاده می‌شود مسیره یوم شرعی را شارع بریدان قرار داده، مسیره یوم شرعی را شارع ثمانیه فراسخ قرار داده. عرض کردم مهمترین محور این بحث حد مسافت این است که آیا ملاک را ثمانیه فراسخ قرار بدهیم یا مسیره یوم، این را پیش مطالعه بفرمایید تا فردا ان شاء الله دنبال کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين